

استراتژی بازیگران و مسئله تروریسم در غرب آسیا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵

محمود کلاهچیان*

عبدالمحمود محمدی لرد**

چکیده

در این پژوهش با استفاده از روش مکتور تلاش شده تأثیر استراتژی‌های بازیگران مختلف بر مسئله تروریسم در غرب آسیا تبیین و تعامل بین بازیگران بررسی شود. نتایج نشان می‌دهد با کاهش حمایت‌های مالی و لجستیکی از تروریسم تکفیری و افزایش اراده بازیگران برای مقابله با آن، گروه‌های تکفیری امکان قدرت‌گیری در شرایط خلأ قدرت یا رقابت و عدم همکاری بین بازیگران را ندارند. با این حال، بدیهی است همچنان کانون‌های بحرانی در منطقه وجود خواهد داشت که برخی از کشورها سعی خواهند کرد با سوءاستفاده از آنها، اهداف راهبردی خود را پیگیری کنند و گروه‌های تروریستی را در مقابل رقبای خویش قرار دهند.

واژگان کلیدی: استراتژی، بازیگران، تروریسم، غرب آسیا، روش مکتور.

Kolahchian@gmail.com

amahmudml@gmail.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه (نویسنده مسئول)

** دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیستم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۶ • شماره مسلسل ۷۷

مقدمه

منطقه غرب آسیا به‌عنوان پرآشوب‌ترین و بحرانی‌ترین منطقه جهان به‌شمار می‌رود و تحولات آن به‌گونه‌ای مؤثر، تمامی جهان را تحت تأثیر قرار داده است. ژئوپلیتیک منطقه هم در طی یک‌صد سال گذشته همواره در معرض تغییر و تحول قرار داشته و بازیگران رسمی و غیررسمی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وضعیت منطقه غرب آسیا را در حالت ابهام قرار داده‌اند. از جمله جریان‌ها و بازیگران غیررسمی که در دههٔ اخیر نقش بسیاری در منطقه ایفا کرده‌اند، گروه‌های تروریستی هستند. اقدامات تروریستی این گروه‌ها در کشورهای مسلمان و حمایت‌های رسمی و غیررسمی برخی کشورهای منطقه و خارج از منطقه از این جریان‌ها، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های دنیای اسلام است که منطقهٔ غرب آسیا را وارد مرحلهٔ سرنوشت‌سازی کرده است. در واقع، بازیگران متنوع و متفاوت دولتی و غیردولتی تحولات غرب آسیا را رقم می‌زنند. این بازیگران با اهداف، مواضع، ایدئولوژی و رفتار متفاوت و حتی متضاد، سبب تداوم بحران در منطقه شده‌اند.

با توجه به منافع و خواسته‌های متباین بازیگران، چشم‌انداز دقیقی برای وضعیت تروریسم یا مقابله با آن در غرب آسیا متصور نیست و بی‌ثباتی موجود در برخی از کشورهای منطقه و عمل‌کرد گروه‌های تروریستی، ابهامات و پرسش‌هایی به‌وجود آورده است. این ابهامات از یک سو، به جایگاه گروه‌های تروریستی درگیر در منازعات جاری مربوط می‌شود و از سوی دیگر، به میزان نفوذ و تأثیرگذاری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیوند می‌خورد که هر کدام تعریف خاصی از تروریسم دارند.

بدیهی است که تأثیرپذیری جدی روند تحولات عراق و سوریه و به‌ویژه وضعیت گروه‌های تروریستی از رقابت و خصومت بازیگران منطقه‌ای همچون ایران، عربستان، ترکیه، رژیم صهیونیستی، قطر و برخی دیگر از کشورهای عربی و همچنین قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا و روسیه است. در این زمینه تردیدی نیست که منافع و ارزش‌های هر کدام از این بازیگران و به‌ویژه رقابت آن‌ها با یکدیگر در عراق و سوریه از جمله دلایل و زمینه‌های بروز تروریسم بوده است. از این‌رو، لازم است برای تحلیل وضعیت منطقه، به منافع و ارزش‌های مختلف و متضاد بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای و جهانی توجه شود. در واقع، برای تحلیل مسئله

تروریسم کاملاً ضروری است که اهداف و استراتژی‌های بازیگران مؤثر در این بحران شناسایی شوند؛ چون تحقق هر وضعیتی برای تروریسم، بستگی تام به منافع و سیاست‌های بازیگران داخلی، منطقه‌ای و جهانی درگیر در بحران‌های منطقه دارد.

تروریسم تکفیری در چند سال اخیر به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگر غیردولتی در منطقه غرب آسیا توانسته است بسیاری از معادلات استراتژیک و مسائل ژئوپلیتیک را تحت تأثیر قرار داده و به‌عنوان تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شود. همه کشورها نیز به نوعی داعیه مبارزه با تروریسم داشته‌اند، ولی آنچه سبب شده است مسئله تروریسم در منطقه حل نشده و بحران آن تداوم داشته باشد، اهداف و استراتژی‌های متفاوت بازیگران در منطقه و ارجحیت برخی از آن استراتژی‌ها بر مبارزه قاطع با تروریسم است. ضمن اینکه بازیگران دولتی بر سر تعریف تروریسم اجماع ندارند و هر کدام، گروه‌های مختلفی را تروریستی می‌نامند. در این پژوهش تلاش می‌شود استراتژی بازیگران مختلف و رویکرد آن‌ها در قبال تروریسم مورد بررسی قرار گیرد و با مقایسه آن‌ها، چشم‌انداز تروریسم در غرب آسیا تحلیل شود. منظور از غرب آسیا در این پژوهش مجموعه کشورهایی در قاره آسیا است که از افغانستان و پاکستان تا عربستان و یمن و آسیای میانه و قفقاز را در بر می‌گیرد.

سؤالات این پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

۱. تعامل بین بازیگران کلیدی مسئله تروریسم در غرب آسیا به چه صورتی است؟

۲. استراتژی‌های این بازیگران چه تأثیری بر مسئله تروریسم در غرب آسیا دارد؟

با توجه به اکتشافی بودن پژوهش و استفاده از نظرات خبرگی برای استخراج همگرایی و واگرایی بین بازیگران و شناخت تأثیر استراتژی آن‌ها بر مسئله تروریسم، فرضیه‌ای به آزمون گذاشته نمی‌شود.

الف. ادبیات پژوهش

ظهور تروریسم تکفیری در سال‌های اخیر حساسیت بسیاری از کشورها و مراکز پژوهشی را برانگیخته و بسیاری از محققان مطالعات امنیتی در مورد این موضوع پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. از مجموع همه پژوهش‌ها، سه تحقیق که قرابت نزدیکی با موضوع این مقاله دارند، به

صورت مختصر معرفی می‌شوند. جعفر یوسفی در مقاله «نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران سوریه و عراق» اذعان دارد که شفافیت و به نتیجه رسیدن تحولات موجود در عراق و سوریه، تنها به توافقات مربوط به خود کشورها نیست، بلکه به تصمیمات و سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی مربوط است. در هر دو کشور، در یک طرف، روسیه، ایران و چین قرار دارند که تمامیت ارضی حکومت مرکزی را مورد حمایت قرار می‌دهند. در طرف دیگر، ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه و ترکیه قرار دارند که سیاست‌های ضد و نقیض و تنش‌زایی در مورد حکومت مرکزی عراق و سوریه اعمال می‌کنند.

به عبارت دیگر، تداوم ابهام و عدم شفافیت در تحولات سیاسی سوریه و عراق به دلیل وجود بازیگران قدرتمند اوراسیا در یک طرف و قدرت‌های بزرگ غربی در طرف دیگر است. در چنین شرایطی، آینده ژئواستراتژیک خاورمیانه در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به وسیله تعاملات ترکیه، ایران و عربستان سعودی به همراه نقش حمایتی برجسته آمریکا و روسیه تعیین می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۵).

محمدرضا رستمی در مقاله «بی‌ثباتی‌های غرب آسیا (خاورمیانه): بازیگران منطقه‌ای و بازیگران فرامنطقه‌ای» تأکید کرده است که بازیگران متنوع دولتی و غیردولتی با اهداف، مواضع، ایدئولوژی و رفتار متفاوت و حتی متضاد، سبب تداوم بحران در منطقه شده‌اند. هر یک از بازیگران در تلاش هستند که کشاکش قدرت را به سود خود به پایان رسانند. در این مقاله با استفاده از نظریه‌های جنگ و صلح استدلال شده است که هرچند قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، نقش و اثرگذاری قابل توجهی در مناطق بحرانی غرب آسیا دارند، ولی ریشه‌ها و بسترهای خشونت و تنش در اصل منطقه‌ای هستند و لذا تبدیل جنگ سرد منطقه‌ای به صلح با دشواری روبه‌رو خواهد بود و قدرت‌های فرامنطقه‌ای نمی‌توانند در ایجاد صلح نقش چندانی بازی کنند (رستمی، ۱۳۹۵).

مهدی احمدیان و مهدی میرمحمدی در کتاب «تحلیلی آینده‌پژوهانه پیرامون ترتیبات امنیتی منطقه غرب آسیا» تلاش کرده‌اند موضوعات راهبردی غرب آسیا را احصا نموده و مواضع بازیگران مختلف را تحلیل کنند. آن‌ها موضوعاتی مانند رقابت گفتمانی، ثبات سیاسی کشورهای منطقه، توزیع تروریسم، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، امنیت انرژی، رقابت

تسلیحاتی و امنیت رژیم صهیونیستی را به عنوان کلان موضوعات امنیت منطقه تعریف کرده و دو قطب از بازیگران را شناسایی نموده‌اند. قطب ایران که شامل ایران، روسیه و عراق است و قطب آمریکا که شامل کشورهای غربی، اسرائیل، عربستان، ترکیه، قطر و مصر است. در نهایت نتیجه‌گیری شده است که ایران تحت فشار کشورهای هم‌پیمان آمریکا خواهد بود (احمدیان و میرمحمدی، ۱۳۹۴).

در این پژوهش‌ها برخی از بازیگران مطرح و استراتژی‌های آن‌ها توصیف شده و به صورت تلویحی نیز به تأثیر استراتژی بازیگران بر مسئله تروریسم اشاره شده است. در تحقیق حاضر تلاش شده است روابط بین بازیگران و مواضع آن‌ها نسبت به استراتژی‌های موجود به صورت عینی و روش‌مند بحث شود. در مجموع، پژوهشی که روش مشابهی برای تحلیل مسئله تروریسم در داخل یا خارج کشور به کار گرفته باشد، یافت نشد.

ب. مبانی نظری و روش پژوهش

در این تحقیق از روش تحلیل بازیگران و مکتور^۱ استفاده شده است. تحلیل بازیگران فرآیندی است که به کمک آن، افراد یا گروه‌هایی شناسایی می‌شوند که بیشترین نفوذ و تأثیر را بر یک موضوع، مسئله، فعالیت، راهبرد یا تصمیم دارند. فرض بر این است که هر یک از بازیگران دارای علایق، اهداف و راهبردهای مخصوص به خود هستند که ممکن است با یکدیگر ناسازگار باشند. روش‌های مختلف تحلیل بازیگران به صورتی ساختارمند در درجه نخست، فهرستی از بازیگران و اهداف یا راهبردهای هر کدام از آن‌ها را تدارک می‌بیند و در درجه دوم، با ارائه تصویری کلی از نیروهای درگیر در یک موضوع یا مسئله، امکان مقایسه میان آن‌ها را فراهم می‌کند. خبرگانی که در این پژوهش همکاری داشته‌اند، با شناختی که از بازیگران دارند، در مورد روابط قدرت در بین بازیگران و مواضع آن‌ها نسبت به یک موضوع، به صورت ساختارمند قضاوت کرده‌اند.

روش مکتور برای تحلیل بازیگران، در جستجوی سنجش موازنه قدرت میان بازیگران است و همگرایی و واگرایی آن‌ها را هنگام رویارویی با تعداد معینی از منافع و اهداف مربوط

مطالعه می‌کند. مکتور یکی از روش‌های سیستمی و جامع تحلیل بازیگران است که از سه گام به هم پیوسته و مرتبط تشکیل شده است:

۱. تعریف بازیگران و راهبردها یا اهداف اصلی آن‌ها؛
 ۲. شناسایی میزان نفوذ بازیگران بر یکدیگر؛
 ۳. تعیین موضع هر بازیگر در رابطه با هر یک از اهداف.
- نتیجه فرآیند مذکور، تشکیل دو ماتریس بازیگر-بازیگر و بازیگر-هدف است که با تحلیل آن‌ها می‌توان نتایج متنوعی به دست آورد.

• تشخیص امکان ائتلاف و همگرایی یا نزاع و واگرایی میان بازیگران بر سر یک مسئله یا هدف؛

• تعیین سلسله مراتب یا اولویت بندی هر یک از بازیگران در خصوص اهداف؛

• تعیین میزان توان هر یک از بازیگران برای پیگیری هر کدام از اهداف؛

• تعیین میزان موافقت یا مخالفت مجموع بازیگران نسبت به اهداف و استراتژی‌ها؛

• تشخیص قطب بندی میان بازیگران؛

• تشخیص بازیگران میانجی (Godet & Durance, 2013: 69-71).

داده‌های مورد نیاز در این تحقیق از طریق مطالعه اسنادی و پنل خبرگی گردآوری شده است. مطالعه اسنادی مربوط به مقدمات تحقیق و مبانی نظری بوده و از پنل خبرگی برای تعیین بازیگران، تعیین اهداف و استراتژی بازیگران و تکمیل ماتریس‌ها استفاده شده است.

ج. بازیگران و استراتژی آن‌ها در مسئله تروریسم

از چشم‌انداز نظریه بازی‌ها، مهم‌ترین عامل بستر ساز در شکل‌گیری و بازتولید گروه‌های تروریستی، منافع متضاد بازیگران ذی‌نفع است. بازیگرانی که می‌کوشند در این بحران، منفعت حداکثری را نصیب خود کنند و در بازی پیروز شوند، به دلیل عدم همکاری با یکدیگر باعث ظهور و بازتولید تروریسم می‌شوند. دلیل عدم همکاری نیز عدم باور ادعاهای طرف مقابل برای مبارزه با تروریسم و امید به کسب امتیاز حداکثری است. این در حالی است که اگر بازیگران بخواهند با یکدیگر همکاری کنند، به ناچار باید از بخشی از منافع خود چشم‌پوشی

نمایند و لذا نمی‌توانند حداکثر امتیاز ممکن را کسب کنند (بصیری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۰). بنابراین، برای تحلیل مسئله تروریسم، هم استراتژی بازیگران در قبال تروریسم و هم استراتژی آن‌ها در منطقه باید مورد توجه قرار گیرد.

در این تحقیق برای تعیین بازیگران اصلی در مسئله تروریسم، ابتدا همه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی احصا شده و سپس از میان آن‌ها به کمک پنل خبرگی، بازیگران مؤثری تعیین شدند که قابلیت کنش‌گری بیشتری دارند. این بازیگران عبارت‌اند از:

- دولت عراق و نیروهای مردمی
- دولت سوریه
- دولت آمریکا
- کشورهای اروپایی
- دولت روسیه
- ایران و حزب الله
- دولت عربستان و متحدان
- دولت ترکیه
- دولت قطر
- رژیم صهیونیستی
- گروه داعش
- گروه‌های کردی
- ارتش آزاد و اپوزیسیون سوریه
- القاعده و گروه‌های همسو

در بین بازیگرانی که کنش‌گری مؤثر آن‌ها در موضوع تروریسم مورد تأیید خبرگان قرار نگرفت، بازیگرانی مانند سازمان ملل و شورای امنیت، چین، مصر، لیبی، پاکستان، افغانستان، طالبان و... قرار داشتند. به هر حال، بازیگران مؤثر در موضوع تروریسم دارای اهداف، استراتژی و راه‌کارهایی هستند که می‌تواند مورد نقد و مخالفت سایر بازیگران قرار گیرد. برخی از این اهداف به صورت خلاصه ذکر می‌شود.

با شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر اساس منافع و علایق خود جهت‌گیری‌های مختلفی را در رابطه با این کشور اتخاذ کردند. در این میان، تلاش پیگیر برخی دولت‌ها برای اعمال فشار و ساقط کردن حکومت اسد، از جلوه‌های بارز تحولات سوریه محسوب می‌شود. دولت سوریه و معارضان داخلی آن، از حمایت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برخوردار شده‌اند. در یک طیف این بحران، کشورهای روسیه، ایران و عراق و برخی سازمان‌های غیردولتی مانند حزب الله از دولت سوریه و بقای بشار اسد در قدرت پشتیبانی کرده و در طیف دیگر، دولت‌های غربی به رهبری ایالات متحده و اتحادیه اروپا و برخی از دول منطقه شامل ترکیه، عربستان سعودی و قطر و برخی سازمان‌های غیردولتی همچون جریان اخوان المسلمین صف‌آرایی کردند (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۲). در این شرایط، اولویت اصلی دولت سوریه، رهایی از بحران داخلی و شکست تروریسم است. هم‌زمان حفظ حکومت بشار اسد به افزایش نفوذ ایران کمک بسزایی خواهد کرد.

در عراق سه گروه بزرگ کردها، اعراب شیعی و اعراب سنی دارای منافع و ارزش‌های خاص و گاهی متضاد خود هستند. این شکاف‌های هویتی پیامدهای خود را در سطح سیاسی و امنیتی نشان داده‌اند. در این شرایط، شیعیان به دلیل جمعیت بالا و برخورداری از اکثریت، خواهان اجرای قانون اساسی دموکراتیکی هستند که در هر صورتی تسلط آن‌ها بر سیاست عراق را به دنبال دارد. در مقابل، برای اهل سنت پذیرش دموکراسی که به معنای تسلط شیعیان باشد، قابل قبول نیست. کردها هم در این میان به دنبال تأمین منافع خود و افزایش خودمختاری و گسترش روابط مستقل با سایر کشورها از جمله رژیم صهیونیستی، آمریکا و کشورهای اروپایی هستند (ترابی، ۱۳۹۵: ۳۶۶). علاوه بر وضعیت چالش برانگیز و بحران‌زای داخلی، رقابت عربستان، ایران، ترکیه و سایر کشورهای عربی در کنار مداخلات آمریکا و رژیم صهیونیستی بر حجم مسائل و مشکلات عراق افزوده است. بنابراین، اولویت اصلی دولت عراق، حذف خطر تروریسم و شکست داعش، حفظ یکپارچگی سرزمینی و التزام به دموکراسی است.

اهداف راهبردی آمریکا در خاورمیانه شامل تضمین جریان انرژی، پیشبرد فرایند صلح خاورمیانه، تأمین و تضمین منافع اسرائیل، ایجاد توازن ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا، ستیز با اسلام سیاسی، مقابله و یا حداقل کنترل کشورهای مخالف منافع آمریکا و گسترش فرهنگ

آمریکایی در پوشش ایجاد دموکراسی، ایجاد بازار آزاد و سکولاریسم در منطقه است (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۵). در نظر مقامات آمریکایی، دو چالش تروریسم و ایران بسیاری از منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه را مورد تهدید قرار داده‌اند. البته مقابله آمریکا با تروریسم به شرطی محقق می‌شود که هماهنگ با سایر خواسته‌های آمریکا در منطقه باشد و مبارزه بدون قید و شرط با گروه‌هایی که آمریکا آن‌ها را تروریسم می‌نامد در راهبرد منطقه‌ای آمریکا جایگاهی ندارد. با وجود این، آمریکا ائتلاف ضد داعش تشکیل داده و اروپا نیز در این ائتلاف عضویت داشته و از حملات هوایی در عراق و سوریه حمایت می‌کند. همچنین، کشورهای اروپایی نیروهای ویژه برای کمک به هدایت و راهنمایی هواپیماها و آموزش نیروهای مسلح عراق اعزام کرده‌اند.

اروپایی‌ها برای کردها و اپوزیسیون سوریه نیز سلاح ارسال کرده‌اند و کمک‌های لجستیکی به برخی از گروه‌ها ارائه می‌دهند. به نظر آن‌ها، مبارزه علیه تروریسم به گونه‌ای باید باشد که بشار اسد از آن به نفع خود استفاده نکند (عطوان، ۱۳۹۵).

یکی از ستون‌های اصلی استراتژی روسیه در منطقه غرب آسیا سوریه است. این کشور قاطعانه وارد بحران سوریه شده و با عملیات نظامی علیه گروه‌های تروریستی، به دنبال کسب وجهه بین‌المللی و تقویت نقش آفرینی خود در جهان است. مقامات روسیه درصدد هستند با استفاده از ضعف آمریکا در حل و فصل منازعات جهانی، ضمن تثبیت و گسترش حضور نظامی در منطقه، موقعیت خود در معادلات منطقه‌ای و جهانی را تقویت کنند (بصیری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۴). جمهوری اسلامی ایران تحولات اخیر در سوریه و عراق را طرح و برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده و هماهنگ شده با سیاست‌های آمریکا، رژیم اشغالگر قدس و برخی کشورهای منطقه می‌داند. به نظر ایران، داعش محصول سکوت و بی‌عملی قدرت‌های غربی است که تصور می‌کردند خواهند توانست با کمک افراطی‌ها، بشار اسد را سرنگون کنند. البته برخی از کشورهای مهم منطقه از جمله ترکیه و عربستان نیز همکار غرب بوده‌اند. بنابراین، حفظ محور مقاومت برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت راهبردی برخوردار است (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

عربستان سعودی که متحد سنتی آمریکا و موازنه‌کننده قدرت در منطقه است، نظم منطقه‌ای شکل گرفته پس از تحولات جهان عرب را در راستای منافع خود نمی‌داند و وضعیت موازنه قدرت منطقه‌ای را نمی‌پذیرد. سعودی‌ها در پی آن هستند تا با بهره‌گیری از بحران‌ها و فرصت‌های موجود، نظم و توازن قدرت موجود منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهند. نقش و بازیگری عربستان در بحران تروریسم بیش از همه به نقش آن در حمایت از تروریسم برمی‌گردد. عقبه فکری و عقیدتی اغلب گروه‌های تروریستی توسط سلفی‌گری تغذیه می‌شود و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی عربستان، پشتوانه این گروه‌ها برای جذب نیرو و تحرک در سوریه و عراق بوده‌اند (بصیری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۵). ترکیه با نیم‌نگاهی به احیای امپراتوری عثمانی، میل به بسط الگوی حکومتی مدنظر حزب عدالت و توسعه در جهان اسلام و حفظ پیمان‌های راهبردی با آمریکا و اروپا دارد. این کشور مصمم است در وضعیت جاری در غرب آسیا، ارتش خود را به توانمندترین نیروی نظامی در منطقه تبدیل کند.

ترکیه به این نتیجه رسیده که گفتمان مقاومت در آسیای جنوب غربی در بین توده‌های اجتماعی جهان اسلام طرفداران زیادی دارد. به همین دلیل، درصدد تغییر زبان مقاومت با ارائه الگوی اخوانی خود است. ترکیه هرچند از برخی گروه‌های تروریستی به‌گونه‌ای حمایت کرده است، ولی منافع ملی آن به‌هیچ‌وجه ایجاب نمی‌کند که دولت‌مردان این کشور در بلندمدت از گروه‌های تروریستی حمایت کنند یا در مقابل آن‌ها منفعل باشند (موسوی، ۱۳۹۵: ۴۳۰).

قطر در چند سال اخیر در پی ایفای نقشی جدی و متمایز نسبت به سایر کشورهای خلیج فارس برآمده و توانسته است به نقش فعالی در سطح منطقه‌ای ایفا کند. نقش‌آفرینی فعال قطر در تحولات غرب آسیا به‌گونه‌ای بوده است که برخی معتقدند همه راه‌ها در سال‌های اخیر به دوحه ختم می‌شود. به دلیل روابط عمیق و مستحکم قطر در طول سال‌های گذشته با گروه‌های تروریستی، این کشور پس از شروع بحران سوریه تلاش کرده که پذیرای بسیاری از رهبران و سران این جریان‌ها باشد و میزبانی مخالفان بشار اسد را در چند مورد بر عهده داشته است.

فطر تلاش می‌کند مطمئن شود که با روی کار آمدن هر گروهی در غرب آسیا، آن کشور همچنان نفوذ خود را داشته باشد (بصیری و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۷). گروه‌های کردی از بازیگران اصلی بحران سوریه و عراق هستند. با پشتیبانی آمریکا، حزب «اتحاد دموکراتیک سوریه» یکی از مؤثرترین نیروها در مبارزه علیه گروه‌های تکفیری بوده است. هدف حزب اتحاد دموکراتیک سوریه، گذار سیاسی در سوریه به گونه‌ای است که حقوق کردها برای خودمختاری را تضمین کند. کردهای سوریه تاکنون تأکید کرده‌اند که خواهان تجزیه سوریه و تشکیل کشوری کُردی نیستند، اما آن‌ها الگوی واقع‌بینانه‌شان را تشکیل نوعی حکومت خودمختار تحت عنوان «خود مدیریتی دموکراتیک» قرار داده‌اند. در مقابل، کردهای عراق خواهان استقلال هستند که مخالفان شدیدی دارد. آمریکا نیز اعلام کرده است که از ایده زمام‌داری تمرکزگرا در عراق حمایت می‌کند (یزدان‌پناه، ۱۳۹۶).

اپوزیسیون سوریه مورد حمایت سازمان ملل، آمریکا، اروپا، ترکیه و گروه‌های اخوانی هستند. این اپوزیسیون دخالت ایران را موجب تشدید وضعیت بحرانی در سوریه دانسته و مخالف ایفای نقش ایران در گفتگوهای صلح سوریه است. به نظر اپوزیسیون سوریه، روسیه و ترکیه مجاز به دخالت در سوریه هستند و روسیه باید درباره حذف ایران از معادلات سوریه تصمیم بگیرد. روسیه باید ایران را از منطقه دور کند و در آن صورت اپوزیسیون شرایط صلح را می‌پذیرد. از نظر آن‌ها ترکیه ضامن این صلح است (سردارنیا و کیانی، ۱۳۹۵). برای رژیم صهیونیستی، تضعیف محور مقاومت مهم‌ترین معیار در مواجهه با تروریسم بوده است. نقش تروریسم تکفیری در تقسیم انرژی نظامی و عملیاتی حزب الله، نیروهای سپاه قدس ایران و نیز تداوم بحران سوریه و فلج کردن این عضو مهم جبهه مقاومت از یک سو، و نیز ایجاد شکاف پیرامونی میان کشورهای اسلامی منطقه از سوی دیگر، مورد توجه اسرائیل است (احمدی، ۱۳۹۵: ۳۹۱).

البته، اسرائیل قصد داعش برای ایجاد «خلافت اسلامی» را تهدیدی برای خود قلمداد می‌کند، اما درگیرسازی جریان‌های تکفیری با گروه‌های مقاومت و کشاندن این نوع درگیری‌ها به حوزه‌های نفوذ و حضور حزب الله در لبنان و ایران از جمله‌ی محورهایی است که مورد توجه اسرائیل است (نجات، ۱۳۹۵: ۱۱۸). ضمن اینکه هرچه میزان درگیری‌ها در عراق بیشتر

شود، احتمال کمتری وجود خواهد داشت که عراق در آینده تهدیدی برای رژیم اسرائیل شود (ترابی، ۱۳۹۵: ۳۶۷).

در کنار بازیگران مذکور، گروه‌های تروریستی نیز اهداف متفاوتی را پیگیری می‌کنند. داعش چشم‌انداز فعالیت خود را برقراری نظام حاکمیتی خلافت اسلامی در منطقه اعلام کرده است، ولی در پی شکست‌های میدانی در عراق و سوریه، تلاش می‌کند از مناطق باقی‌مانده به‌شدت محافظت نماید. برخی از گروه‌های منشعب از القاعده نیز استراتژی مبارزه را برگزیده‌اند، اما القاعده بیش از آنکه به مناطقی همچون سوریه، عراق و یمن به‌عنوان میدان مبارزه یا جهاد بنگرد، به‌عنوان پناه‌گاهی برای نیروهای بومی و مهاجر خود نگرسته و در راستای حراست از این پناه‌گاه‌ها تلاش می‌کند. حفظ کادرها و رهبران تحت تعقیب القاعده اولویت اصلی این گروه است (مؤمنی، ۱۳۹۵).

با توجه به استراتژی و اهداف بازیگران مختلف، دسته‌ای از استراتژی‌ها که مرتبط با مسئله تروریسم هستند، با استفاده از ادبیات نظری تحقیق و تأیید خبرگان قابل تشخیص هستند که عبارت‌اند از:

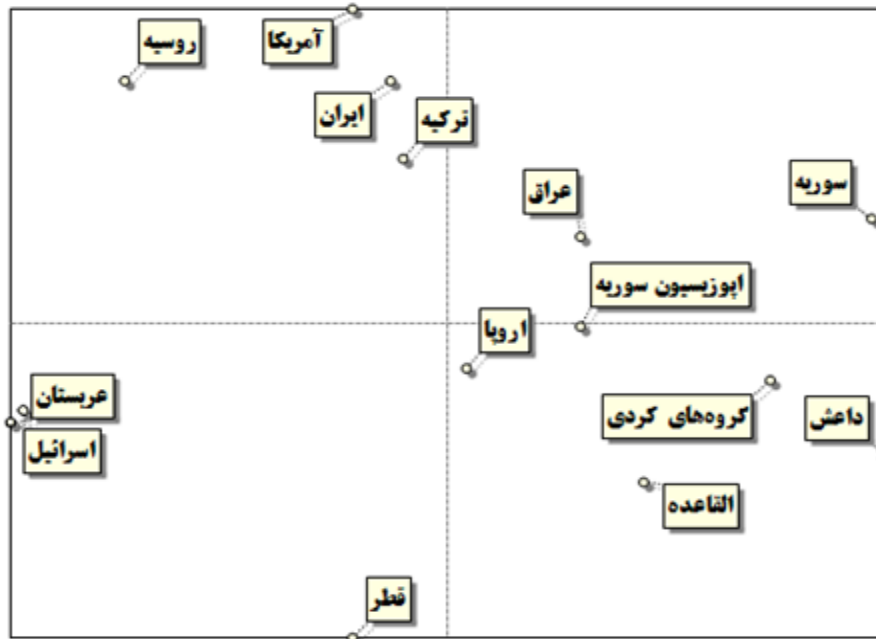
- تقویت جبهه مقاومت
- گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران
- افزایش نفوذ ترکیه و اعاده گذشته تاریخی آن
- افزایش نفوذ قدرت‌های غربی در منطقه
- حفظ نفوذ روسیه در منطقه
- ایجاد توازن ژئوپلیتیکی در غرب آسیا
- شکل‌گیری همکاری بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم
- تجزیه عراق
- تجزیه سوریه
- پیش‌برد فرآیند صلح خاورمیانه
- انتقال مدیریت‌شده عناصر افراطی از درون کشورها به مناطق بحرانی
- کاهش حمایت مالی و لجستیکی از گروه‌های تروریستی

- مقابله با تروریسم توسط تروریسم
- تشدید مبارزه با استکبار جهانی در غرب آسیا
- مقابله با اقتدارگرایی و ایجاد دموکراسی در سوریه
- تحکیم دموکراسی در عراق
- بسط گفتمان سلفیت
- بسط گفتمان اخوانی
- قدرت‌یابی گروه‌های کردی و هویت کردی
- معرفی اسلام سیاسی به عنوان منشأ ترور
- افزایش همکاری بین داعش و القاعده
- افزایش اراده آمریکا برای مبارزه با تروریسم (بر اساس تعریف خودش)
- افزایش تحرک انقلابیون بحرین
- افزایش تحرک القاعده در یمن
- بهبود روابط ایران و عربستان

د. میزان نفوذ بازیگران و قدرت رقابت‌پذیری آنها

برای تعیین میزان نفوذ هر بازیگر بر بازیگران دیگر از ماتریس اثرگذاری و اثرپذیری استفاده می‌شود. نمودار شماره ۱ میزان اثرگذاری و اثرپذیری هر بازیگر بر مجموع بازیگران دخیل در مسئله را نشان می‌دهد. محور عمودی نشان‌دهنده میزان اثرگذاری و محور افقی نشان‌دهنده میزان اثرپذیری است. بنابراین، منتهی‌الیه قسمت جنوب غربی نمودار مبدأ مختصات بوده و بازیگران هرچه به منتهی‌الیه قسمت شمال شرقی نمودار نزدیک‌تر می‌شوند، اثرگذاری و اثرپذیری آنها افزایش پیدا می‌کند.

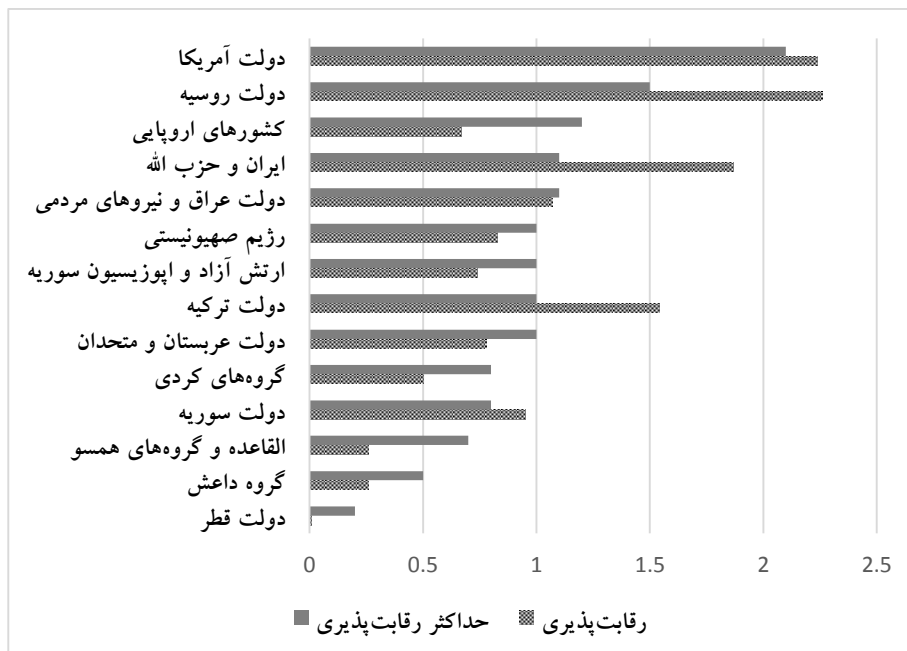
نمودار ۱. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بازیگران غرب آسیا



- از میان بازیگران غرب آسیا به ترتیب آمریکا، روسیه، ایران و ترکیه دارای تأثیرگذاری زیادی هستند و بازیگران غالب نامیده می‌شوند.
- دولت‌های عراق و سوریه به نسبت دارای تأثیرگذاری زیاد و تأثیرپذیری زیادی هستند. لذا نظم منطقه بیشتر ناشی از وضعیت این بازیگران است؛ یعنی بر اساس نوع اثری که از بازیگران تأثیرگذار دریافت کرده و نوع اثری که بر بازیگران تأثیرپذیر وارد می‌کنند، می‌توانند وضعیت منطقه را تحت تأثیر قرار دهند. عراق و سوریه در روش مکتور بازیگران کمکی نامیده می‌شوند.
- داعش، گروه‌های کردی و القاعده بازیگرانی هستند که بیش از آنکه تأثیرگذار باشند، تأثیرپذیر هستند. این‌ها بازیگران مغلوب به‌شمار می‌روند.
- اپوزیسیون سوریه و کشورهای اروپایی بازیگرانی هستند که تقریباً اثرگذاری و اثرپذیری متوسطی دارند. با توجه به فرارگرفتن در منطقه میانی نمودار، آن‌ها از این قابلیت برخوردارند که در صورت تغییر شرایط به بازیگران تأثیرگذار تبدیل شوند.

- عربستان سعودی و اسرائیل بازیگرانی هستند که تأثیرگذاری متوسطی دارند، ولی از کمتر بازیگری تأثیر می‌پذیرند. آن‌ها بازیگران مستقل نامیده می‌شوند.
 - قطر بازیگر تأثیرپذیری است که از قابلیت اثرگذاری کمی برخوردار است.
- با توجه به نمودار (۱)، می‌توان با تقسیم میزان تأثیرگذاری هر بازیگر بر میزان تأثیرپذیری آن، قدرت رقابت‌پذیری هر بازیگر را به دست آورد و اگر خالص تأثیرگذاری بازیگران نیز مورد توجه قرار گیرد، حداکثر میزان رقابت‌پذیری بازیگران نیز قابل تشخیص است. وضعیت سیستم تا حد زیادی مرتبط با اقدامات بازیگرانی است که رقابت‌پذیری زیادی دارند. میزان رقابت‌پذیری و حداکثر رقابت‌پذیری بازیگران در نمودار شماره ۲ قابل مشاهده است.

نمودار ۲. قدرت رقابت‌پذیری و حداکثر رقابت‌پذیری بازیگران غرب آسیا



با توجه به نمودار (۲)، روسیه و آمریکا دارای بیشترین قدرت رقابت‌پذیری بوده و پس از آن، ایران و حزب الله قرار دارند. کمترین قدرت رقابت‌پذیری نیز به ترتیب متعلق به قطر، القاعده، داعش و گروه‌های کردی است. آمریکا حداکثر رقابت‌پذیری بیشتری نسبت به سایر بازیگران دارد و روسیه با اختلاف در رتبه بعدی قرار دارد. نکات دیگری که از نمودار مذکور قابل برداشت است، عبارت‌اند از:

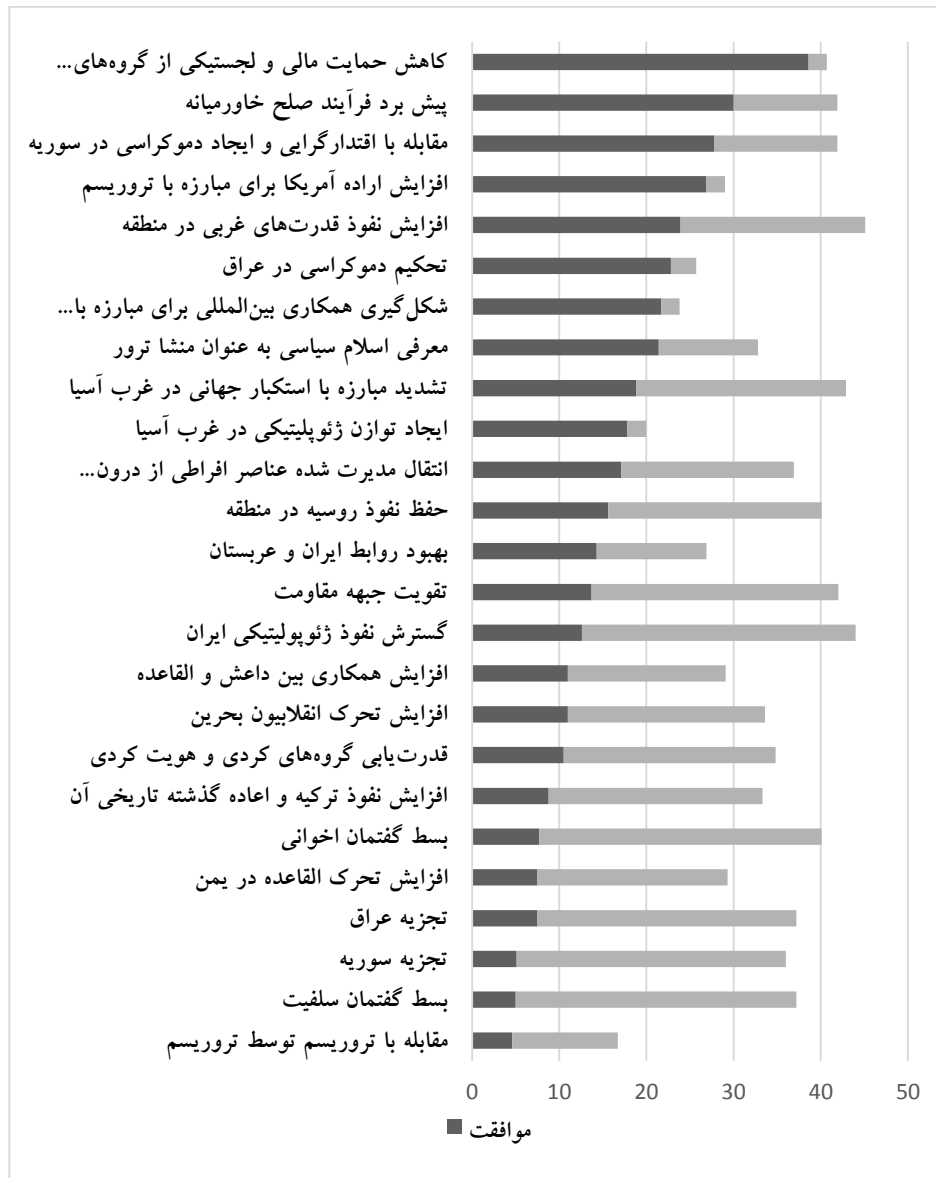
- از میان همه بازیگران، کشورهای اروپایی، القاعده، گروه‌های کردی و ارتش آزاد به ترتیب دارای بیشترین اثرگذاری غیرمستقیم نسبت به اثرگذاری مستقیم خود هستند.
- اثرگذاری غیرمستقیم کشورهای اروپایی به اندازه‌ای است که از رتبه دهم در رقابت‌پذیری به رتبه سوم در حداکثر رقابت‌پذیری ارتقا یافته‌اند.
- روسیه، ایران و ترکیه بازیگرانی هستند که اثرپذیری غیرمستقیم آن‌ها از اثرپذیری مستقیم‌شان بیشتر است.
- در بین کشورهای منطقه، ایران بیشترین قدرت رقابت‌پذیری را دارد.
- اسرائیل، ابوزیسیون سوریه، ترکیه و عربستان تقریباً قدرت رقابت‌پذیری یکسانی دارند.

ه. مواضع مجموع بازیگران نسبت به استراتژی‌های مختلف

در این بخش تلاش می‌شود میزان توان^۱ مجموع بازیگران در موافقت یا مخالفت‌شان با اهداف و استراتژی‌های موجود در مسئله تروریسم ذکر شود. میزان توان بازیگران نشان‌دهنده شدت موافقت یا مخالفت آن‌ها با توجه به قدرت رقابت‌پذیری‌شان است. نتایج در نمودار (۳) نشان داده شده است.

۱. میزان توان بازیگران در نرم‌افزار مکتور از ماتریس مرتبه سوم (3AMO) به دست می‌آید.

نمودار ۳. مواضع بازیگران در خصوص استراتژی‌ها



با توجه به نمودار مذکور و شدت موافقت یا مخالفتی که بازیگران مختلف از لحاظ قدرت رقابت‌پذیری خود نسبت به اهداف و استراتژی‌های موجود در مسئله تروریسم دارند، نکات زیر قابل برداشت است:

• موضوعاتی که توان بازیگران در موافقت و مخالفت‌شان بسیار متفاوت بوده و اکثر بازیگران موافق یا مخالف آن موضوع هستند، به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

- کاهش حمایت مالی و لجستیکی از گروه‌های تروریستی
- بسط گفتمان اخوانی
- بسط گفتمان سلفیت
- گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران
- تجزیه سوریه
- تجزیه عراق
- پیش‌برد فرآیند صلح خاورمیانه

• موضوعاتی که توان بازیگران در موافقت و مخالفت‌شان تقریباً همسان است، به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

- بهبود روابط ایران و عربستان
- افزایش نفوذ قدرت‌های غربی در منطقه
- انتقال مدیریت‌شده عناصر افراطی از درون کشورها به مناطق بحرانی
- تشدید مبارزه با استکبار جهانی در غرب آسیا

• بازیگرانی که توان بیشتری برای موافقت یا مخالفت با موضوعات دارند، به ترتیب عبارت‌اند از: ایران، حزب‌الله و دولت آمریکا.

• قطر بازیگری است که توان کمتری برای موافقت یا مخالفت با موضوعات دارد.

• موضوعاتی که بیشترین بسیج بازیگران را نسبت به خود برانگیخته و موافقت یا مخالفت

شدید آن‌ها را در پی داشته است، به ترتیب عبارت‌اند از:

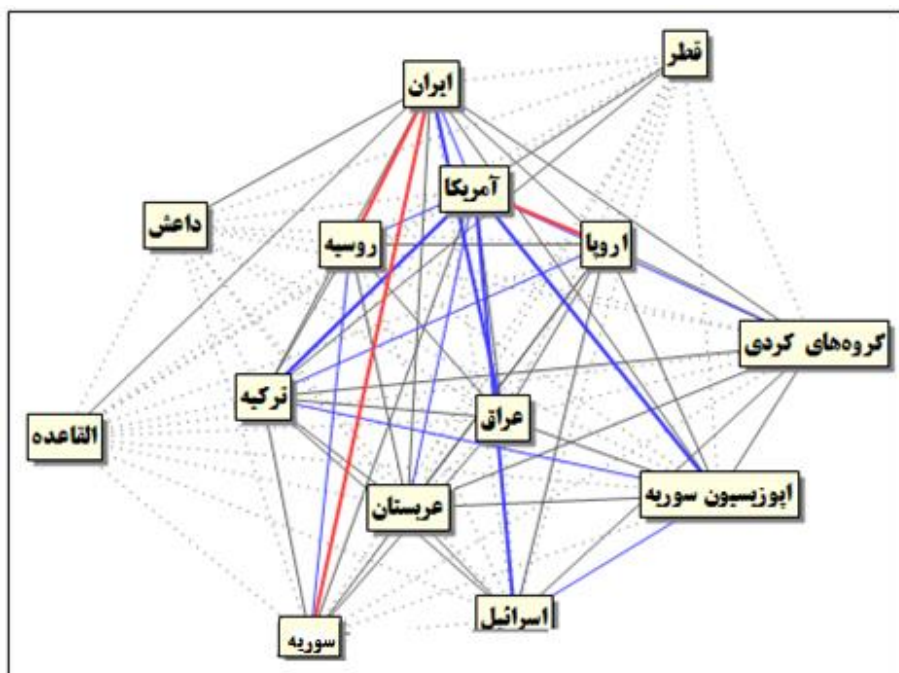
- افزایش نفوذ قدرت‌های غربی در منطقه
- گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران

- تقویت جبهه مقاومت
- تشدید مبارزه با استکبار جهانی در غرب آسیا
- موضوعاتی که کمترین بسیج بازیگران را برانگیخته و تمایل کمتری برای موافقت یا مخالفت با آنها وجود دارد، به ترتیب عبارت‌اند از:
 - مقابله با تروریسم توسط تروریسم
 - ایجاد توازن ژئوپلیتیکی در غرب آسیا

۵. همگرایی و واگرایی میان بازیگران و قطب‌بندی آنها

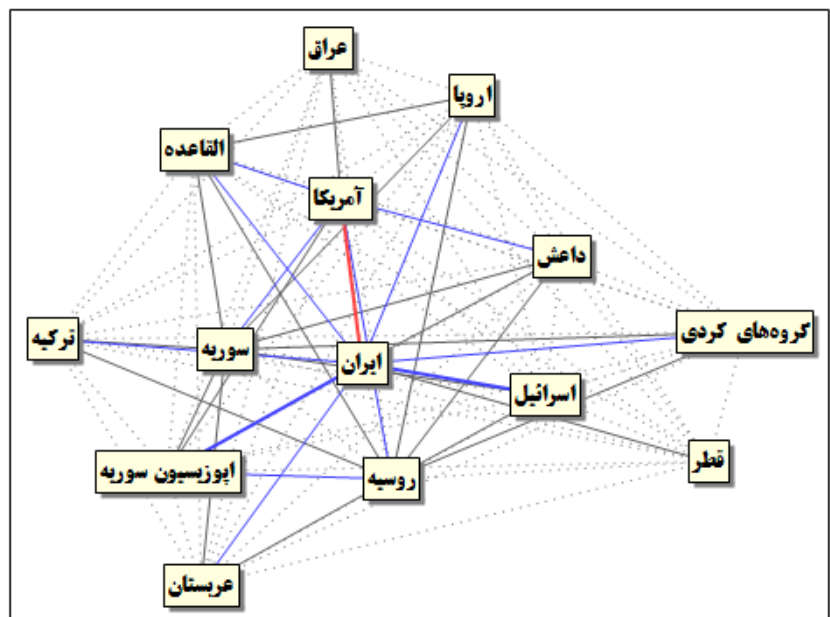
میزان همگرایی میان بازیگران بر اساس شدت موافقت یا مخالفت‌شان با اهداف و استراتژی‌های موجود در مسئله تروریسم با توجه به قدرت رقابت‌پذیری آنها در نمودار شماره ۴ نشان داده شده است.

نمودار ۴. میزان همگرایی میان بازیگران



- همگرایی بسیار قوی از یک سو، بین ایران با روسیه و سوریه و از سوی دیگر، بین آمریکا و اروپا وجود دارد.
 - همگرایی قوی به ترتیب بین آمریکا و ترکیه، بین ایران و عراق و بین آمریکا و اپوزیسیون سوریه وجود دارد.
 - بیشترین همگرایی با سایر بازیگران به ترتیب متعلق به آمریکا، ایران و ترکیه است.
 - کمترین همگرایی با سایر بازیگران به ترتیب متعلق به داعش، قطر و القاعده است. این بازیگران به صورت بالقوه در معرض تهدید هستند.
- پس از تعیین میزان همگرایی میان بازیگران، میزان واگرایی میان بازیگران بر اساس میزان توان آن‌ها در نمودار شماره ۵ نشان داده شده است.

نمودار ۵. میزان واگرایی میان بازیگران



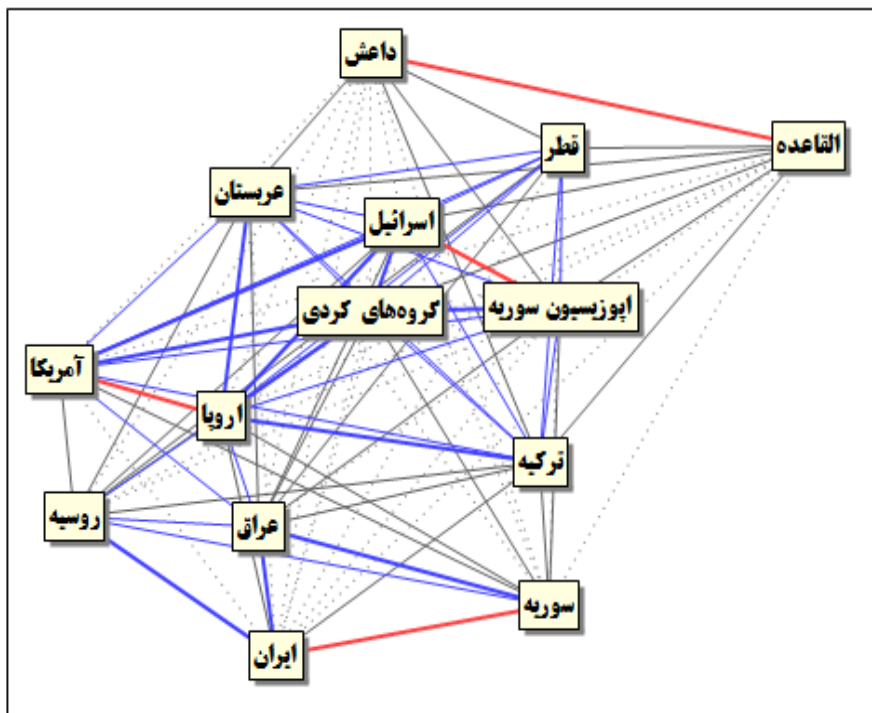
- شدیدترین واگرایی بین آمریکا و ایران وجود دارد.
- همچنین واگرایی قوی بین ایران با اسرائیل و ایران با اپوزیسیون سوریه وجود دارد.

• بیشترین واگرایی با سایر بازیگران متعلق به ایران است و پس از ایران با اختلاف بسیار زیادی ایالات متحده قرار دارد.

• کمترین واگرایی با سایر بازیگران متعلق به قطر است.

بر اساس همگرایی و واگرایی میان بازیگران، شدت ارتباط شبکه‌ای آن‌ها قابل احصاء است. در نمودار شماره ۶ شدت ارتباط شبکه‌ای میان بازیگران نشان داده شده است.

نمودار ۶. شدت ارتباط شبکه‌ای میان بازیگران



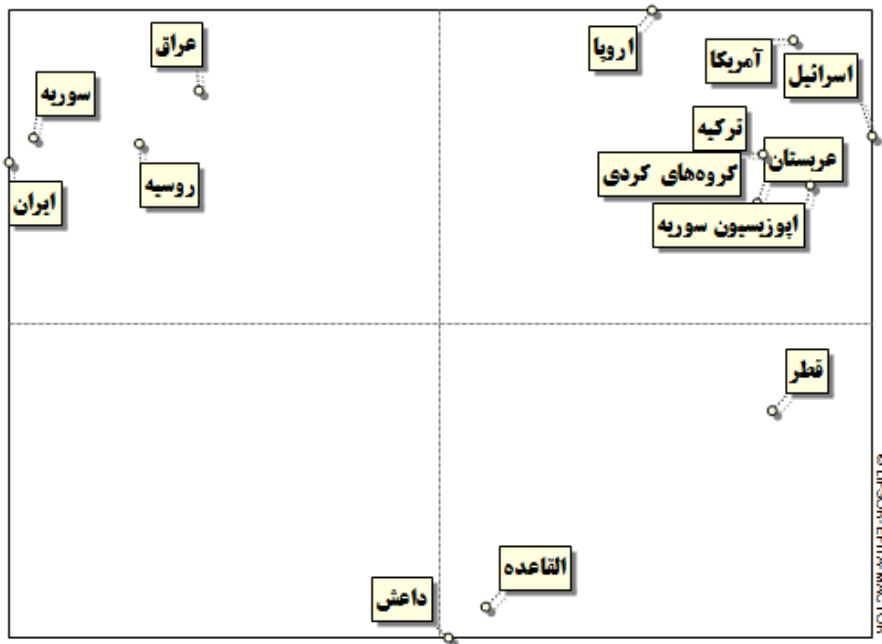
• ارتباط شبکه‌ای بسیار قوی بین ایران و سوریه، بین آمریکا و اروپا، بین اسرائیل و ابوزیسیون سوریه و بین القاعده و داعش وجود دارد.

• ارتباط شبکه‌ای قوی بین آمریکا و اسرائیل، بین ایران با روسیه و عراق، بین اسرائیل و گروه‌های کردی و بین اروپا با ترکیه و عربستان وجود دارد.

- بیشترین ارتباط با سایر بازیگران متعلق به آمریکا است.
- کمترین ارتباط با سایر بازیگران متعلق به داعش است.

پس از تعریف روابط بین بازیگران و تعیین میزان نفوذ آن‌ها، موافقت و مخالفت هر بازیگر در مورد هر یک از موضوعات مورد ارزیابی قرار گرفت. بر این اساس، می‌توان قطب‌بندی احتمالی میان بازیگران را احصا کرد، که در نمودار (۷) نشان داده شده است.

نمودار ۷. قطب‌بندی احتمالی میان بازیگران



با توجه به نمودار مذکور، با کمی تسامح، سه قطب اصلی و یک بازیگر نسبتاً مستقل را می‌توان شناسایی کرد.

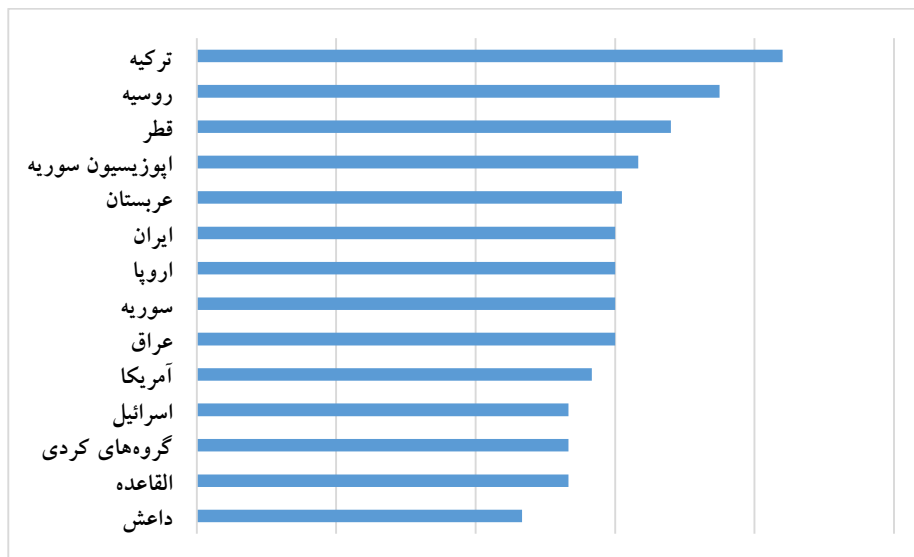
• آمریکا، اروپا، اسرائیل، عربستان، ترکیه، گروه‌های کردی و اپوزیسیون سوریه در یک قطب قرار می‌گیرند.

• عراق، سوریه، روسیه و ایران قطب دوم را تشکیل می‌دهند.

- القاعده و داعش در قطب سوم قرار دارند.
- قطر بازیگر نسبتاً مستقلی است که در هیچ‌یک از قطب‌بندی‌ها قرار ندارد، ولی در مجموع به قطب اول نزدیک‌تر است. ضمن اینکه نزدیک‌ترین بازیگر به القاعده و داعش است.

همچنین، می‌توان آن دسته از بازیگران میانجی^۱ را مشخص کرد که از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردارند و می‌توانند با تعداد بیشتری از بازیگران همراه شده یا آن‌ها را با خود همراه کنند. بازیگران میانجی به ترتیب در نمودار (۸) نشان داده شده‌اند.

نمودار ۸. بازیگران میانجی



با توجه به نمودار مذکور و فاصله قدرت میانجی‌گری بازیگران از یکدیگر، بازیگری که بتواند بین سایر بازیگران میانجی‌گری کند، به صورت مطلق وجود ندارد. فقط کشور ترکیه به میزان اندکی می‌تواند در موضوعات مربوط چانه‌زنی کند.

ز. تأثیر استراتژی بازیگران بر مسئله تروریسم

با توجه به شدت موافقت و مخالفتی که بازیگران با اهداف و راهبردهای موجود در مسئله تروریسم داشته و شدت همگرایی و واگرایی که نسبت به یکدیگر دارند، مهم‌ترین استراتژی بازیگران که در فضای رقابت میان آن‌ها، احتمال بیشتری برای بروز و ظهور دارد و قدرت مجموعه بازیگران برای موافقت با آن استراتژی‌ها مناسب است، به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

۱. کاهش حمایت مالی و لجستیکی از گروه‌های تروریستی
 ۲. ممانعت از گسترش نفوذ ژئوپلیتیک ایران و جبهه مقاومت
 ۳. ممانعت از بسط گفتمان‌های سلفیت و اخوانی
 ۴. ممانعت از تجزیه عراق و سوریه
 ۵. پیش‌برد فرآیند صلح خاورمیانه
 ۶. مقابله با اقتدارگرایی و افزایش تمایل برای ایجاد دموکراسی در سوریه
 ۷. افزایش اراده آمریکا برای مبارزه با گروه‌هایی که آن‌ها را تروریستی می‌نامد.
- همچنین، دسته‌ای از استراتژی‌ها وجود دارد که قدرت موافقت و مخالفت مجموع بازیگران با آن‌ها تقریباً یکسان است و این استراتژی‌ها مورد چالش بازیگران هستند، که به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

۱. چالش مبارزه با استکبار و افزایش نفوذ غرب در منطقه
 ۲. چالش انتقال مدیریت شده عناصر افراطی از درون کشورها به مناطق بحرانی
 ۳. چالش در روابط ایران و عربستان
- با توجه به میزان نفوذ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و استراتژی‌های آن‌ها، به نظر می‌رسد غرب آسیا دچار تحولاتی می‌شود که بسیاری از آن‌ها به نفع جمهوری اسلامی ایران نیست. ابعاد مهم این تحولات شامل کاهش حمایت‌های مالی و لجستیکی کشورها از گروه‌های تروریستی است و هم‌زمان چالش‌های زیادی برای گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران و تقویت جبهه مقاومت توسط بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد می‌شود. البته مخالفت شدید با بسط گفتمان‌های سلفی و اخوانی هم وجود دارد. ضمن اینکه تمایل زیادی برای تجزیه عراق و سوریه نیز وجود ندارد. فرآیند صلح خاورمیانه به صورت جدی پیگیری می‌شود و مقابله با اقتدارگرایی دولت

بشار اسد و ایجاد دموکراسی در سوریه مورد موافقت اغلب بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای است. این امر می‌تواند مقاومت ایران و دولت سوریه را با چالش روبه‌رو کند. ضمن اینکه اراده آمریکا برای مقابله با گروه‌هایی که آن‌ها را تروریستی می‌نامد، افزایش یافته است. این اراده هم‌زمان می‌تواند علیه داعش و حزب الله به کار گرفته شود.

در این شرایط، وضعیت‌های چالشی هم وجود دارد که بازیگران را در قطب‌های هم‌وزن قرار می‌دهد. یکی از چالش‌ها، تلاش کشورهای غربی برای افزایش نفوذ در منطقه و مخالفت برخی از بازیگران منطقه‌ای با آن است. با توجه به اینکه مجموع قدرت بازیگران مهاجم و بازیگران مقاومت‌کننده تقریباً یکسان است، به نظر می‌رسد این وضعیت در حالت کشاکش قرار داشته و به صورت چالش باقی بماند. هرچند بسیاری از بازیگران با گروه‌های تروریستی مقابله می‌کنند، هم‌زمان نقاط بحرانی در منطقه وجود دارد که برخی از کشورها تلاش می‌کنند عناصر افراطی موجود در کشور خود را به این نقاط منتقل کنند؛ به این امید که از تحرکات آن‌ها در کشور خود مصون بمانند. ضمن اینکه روابط ایران و عربستان سعودی دچار چالش بوده و اعمال نفوذ سایر بازیگران مانع مهمی برای بهبود رابطه این دو کشور است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شد تأثیر استراتژی بازیگران مختلف بر مسئله تروریسم در غرب آسیا مورد بررسی قرار گیرد. تأثیری که رقابت بازیگران بر مسئله تروریسم دارد، محدودسازی بیش از پیش گروه‌های تروریستی در منطقه است. با کاهش حمایت‌های مالی و لجستیکی از تروریسم تکفیری و افزایش اراده بازیگران برای مقابله با آن‌ها، به نظر می‌رسد دیگر گروه‌های تکفیری امکان قدرت‌گیری در شرایط خلأ قدرت یا رقابت و عدم همکاری بین بازیگران را ندارد. البته همچنان کانون‌های بحرانی به صورت محدود در منطقه وجود خواهد داشت که برخی از کشورها سعی خواهند کرد با سوءاستفاده از آن‌ها، اهداف راهبردی خود را پیگیری کنند و گروه‌های تروریستی را در مقابل رقبای خویش قرار دهند. با این حال، اجماعی برای مقابله با تروریسم - تکفیری وجود دارد. اما آنچه وضعیت را پیچیده می‌کند، قرارگرفتن گروه‌هایی از جبهه مقاومت در تعریف ایالات متحده آمریکا و کشورهای همسو با آن از تروریسم است.

آن بازیگران ضمن اینکه می‌کوشند تهدید گروه‌های تکفیری را کاهش دهند، برای محدودسازی جبهه مقاومت هم اقدام می‌کنند و با توجه به توان مجموع آن بازیگران، به نظر می‌رسد قادر به ایجاد چالش جدی برای گروه‌های مقاومت مانند حزب‌الله خواهند بود. در نظریه بازی، اگر کنش‌گری با توجه به توان خویش امیدوار به دستیابی اهداف خود است، بهترین گزینه برای او عدم همکاری است؛ چون می‌تواند رقیب را شکست دهد و همه امتیاز را تصاحب کند. اما در شرایطی که مبهم یا پیچیده است و چشم‌انداز مطمئنی برای پیروزی وجود ندارد، همکاری با رقیب بهترین گزینه است؛ چون در این حالت می‌تواند امیدوار باشد که حداقلی از امتیاز را کسب خواهد کرد. به نظر می‌رسد در مسئله تروریسم در غرب آسیا، بهترین گزینه برای جمهوری اسلامی ایران همکاری است. همکاری با رقیب برای مبارزه با گروه‌های تروریستی - تکفیری می‌تواند از شدت تقابل‌ها بکاهد. اما با توجه به وضعیت‌های گذشته در روابط بین بازیگران، امکان همکاری نظامی یا سیاسی آشکار وجود ندارد و دیپلماسی پنهان یا همکاری امنیتی پیشنهاد می‌شود.

با توجه به اینکه راهبرد مقابله با گروه‌های تکفیری در کوتاه‌مدت نیازمند اقدامات نظامی، در میان‌مدت نیازمند اقدامات پلیسی، اطلاعاتی و امنیتی و در بلندمدت نیازمند اقدامات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و با توجه به اینکه شکست نظامی تروریسم تکفیری در آینده نزدیک بسیار محتمل است و پس از شکست نظامی، بخش مهمی از عناصر افراطی باقی خواهند ماند و کشورهای غربی در پی ردیابی آن‌ها خواهند بود، لذا نیازمند همکاری سازمان‌های امنیتی عراق، سوریه و کشورهای منطقه هستند. در صورتی که پیشنهاد همکاری توسط ایران مطرح شود و با توجه به همراهی عراق و سوریه با ایران، بسیاری از کشورهای غربی مشتاق به همکاری امنیتی خواهند بود و این همکاری باعث همگرایی بیشتر خواهد شد. در این پژوهش تلاش شد تصویری کلی از روابط منطقی بین کنش‌گران فعال در مسئله تروریسم ترسیم شود. ممکن است در عمل شرایط یا مقاومت‌هایی بروز یابد که باعث برخی تغییرها در مواضع یا قدرت بازیگران شود. در این پژوهش عناصری که باعث شگفتی می‌شود، مورد توجه قرار نگرفته است.

منابع

- احمدی، وحیده (۱۳۹۵)، جایگاه داعش در استراتژی کلان اسرائیل، در: **داعش حقیقی و حقیقت داعش**، پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم.
- احمدیان، مهدی و مهدی میرمحمدی (۱۳۹۴)، **تحلیلی آینده‌پژوهانه پیرامون ترتیبات امنیتی منطقه غرب آسیا**، افق آینده‌پژوهی راهبردی.
- بصیری، محمدعلی، زهرا آقامحمدی و احسان فلاحی (پاییز ۱۳۹۵)، **بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا**؛ مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال پنجم، شماره ۱۹.
- ترابی، قاسم (۱۳۹۵)، **سناریوهای پیش روی داعش در عراق**، در: **داعش حقیقی و حقیقت داعش**، پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم.
- رستمی، محمدرضا (۱۳۹۵)، **بی‌ثباتی‌های غرب آسیا (خاورمیانه): بازیگران منطقه‌ای و بازیگران فرامنطقه‌ای**، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و چهارم، شماره ۹۴.
- سردارنیا، خلیل‌الله و فائزه کیانی (۱۳۹۵)، **تحلیل بحران سوریه از منظر شکاف‌های اجتماعی**، **دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، دوره ۴، شماره ۸.
- سلطانی‌نژاد، احمد، نبی‌اله ابراهیمی و مصطفی نجفی (بهار ۱۳۹۵)، **منافع و ملاحظات قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه**، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال پنجم، شماره ۱۷.
- عطوان، عبدالباری (۱۳۹۵)، **مواضع جهانی در قبال گروه تروریستی داعش**، پایگاه اینترنتی شبکه المیادین.
- قهرمان، عبدلی (۱۳۸۶)، **نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن**، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- موسوی، سید مسعود (۱۳۹۵)، **بررسی و تحلیل مواضع و عملکرد ترکیه در قبال داعش**، در: **داعش حقیقی و حقیقت داعش**، پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم.
- مؤمنی، مجیدرضا (۱۳۹۵)، **مطالعه جریان‌های افراطی اسلامی**، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۱۱۸.
- نجات، سید علی (۱۳۹۵)، **کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها و پیامدها**، ابرار معاصر تهران.
- نیاکویی، سید امیر و حسین بهمنش (زمستان ۱۳۹۱)، **بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها**، **فصلنامه روابط خارجی**، سال چهارم، شماره ۴.
- یزدان‌پناه، کیومرث (۱۳۹۶)، **تحلیلی بر ژئوپلیتیک اقلیم کردستان پس از فروپاشی داعش**، **فصلنامه جغرافیا**، شماره ۵۳.
- یوسفی، جعفر (۱۳۹۵)، **نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران سوریه و عراق**، **مجله علمی - تخصصی پژوهش ملل**، دوره اول، شماره ۴.
- Godet, Michel & Philippe Durance (2013), **Strategic Foresight for Corporate and Regional Development**, Paris: Dunod.

